

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره

تاریخ: ۲۲ اسفند ۱۴۰۱

موضوع جزئی: آیه ۴۹- بخش سوم: «و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم» -

مصادف با: ۲۰ شعبان ۱۴۴۴

مطلب دوم: وجه عظمت بلاء - مطلب سوم: مشارالیه ذلکم - مطلب چهارم: هدف آیه

جلسه: ۳۴

## الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین

### خلاصه جلسه گذشته

بحث در بخش سوم آیه ۴۹ بود: «وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ». گفتیم در این بخش چند مطلب باید مورد بررسی قرار گیرد. مطلب اول درباره واژه «بلاء» و برخی از امور مربوط به آن بود؛ البته خود این مطلب مشتمل بر چند نکته بود که این نکات را عرض کردیم.

### مطلب دوم: وجه عظمت بلاء

درست است که کلمه «عظیم» در آخر جمله ذکر شده، ولی وصف برای «بلاء» است؛ «وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ» ای بلاء عظیم من ربکم، و معنایش این است که یک آزمون عظیم و امتحان بزرگ است برای شما. وجه عظمت این بلاء روشن است؛ چرا این بلاء متصف به وصف عظیم شده است؟ در اینکه امتحان خداوند و آزمون او نسبت به قوم بنی اسرائیل از بزرگترین آزمون‌هایی است که مردم به آن مورد سنجش قرار می‌گیرند تردیدی نیست، لکن اینکه چرا این بزرگترین آزمون بنی اسرائیل است و چرا خداوند تبارک و تعالی این امری که در رابطه با بنی اسرائیل اتفاق افتاده را به عنوان بلاء عظیم از آن یاد کرده، برای اینکه اصل بردگی، استعباد، استحقار و آن نقمتهای که بنی اسرائیل به آن مبتلا بودند و سپس نجات آنها از چنین ظلم بزرگی، طبیعتاً این آزمون را عظیم می‌کند.

ما عرض کردیم که آزمون هم به نعمت است و هم به نقمتهای نقمتهای که بنی اسرائیل به آن مبتلا بودند، اینکه تحت سیطره، سلطنت و استعباد آل فرعون بودند. واقعاً نقیمت و گرفتاری و مشقت و شری بالاتر از این نیست که انسان مسلوب الارادة شود؛ برخلاف فطرتش و برخلاف میلش انسان در یوغ بندگی دیگران زندگی کند، آزادی و اراده نداشته باشد؛ و طبیعتاً از حیث نقیمت، این بدترین نقیمت‌هاست. چون این چنین است، نجات بنی اسرائیل از این نقیمت، خودش از اعظم النعم است؛ آن اولی اعظم المحن بود، تخلص و خروج از این گرفتاری می‌شود اعظم النعم؛ یعنی کسی که به نعمت آزادی و استقلال و خروج از یوغ بندگی و آزادی اراده برسد، طبیعتاً این بزرگترین نعمت است. اگر ما اینجا آزمون را هم شامل نعمت بدانیم و هم شامل نقیمت، طبیعتاً از هر دو جهت متصف به وصف عظیم می‌شود، بلاء عظیم من ربکم. البته خواهیم گفت که منظور از «ذلکم» چیست و چه معنایی دارد؛ حالا هر کدام باشد یا هر دو هم باشد، هیچ خدشه‌ای در اتصاف این بلاء به عظیم وجود ندارد و اصلاً وجه اینکه آن را متصف به وصف عظیم کرده، این است؛ هم نقیمتش

بزرگترین نعمت‌ها بود و هم نعمتش بزرگترین آنها.

#### مطلب سوم: مشار إلیه «ذلکم»

بعد از اینکه معنای بلاء معلوم شد و وجه اتصاف آن به عظمت روشن گردید، حال باید دید این بلاء و آزمون به چه چیزی تحقق پیدا کرد و «ذلکم» اشاره به چه موردی دارد که آنها بلاء عظیم شده‌اند. پس مطلب سوم این است که «ذلکم» به چه چیزی اشاره می‌کند و مشار إلیه ذلکم چیست که به تبع آن معلوم می‌شود که آن بلاء و آزمون چیست. سه احتمال اینجا وجود دارد:

#### احتمالات سه‌گانه در مورد «ذلکم»

**احتمال اول:** اینکه «ذلکم» اشاره به آن محنت‌ها و نعمت‌ها و عمل آل فرعون داشته باشد؛ طبیعتاً اگر «ذلکم» اشاره به رفتار آل فرعون داشته باشد که قبلاً هم اشاره کردیم، استعباد و استحقار که در قالب ذبح الابناء و استحیاء النساء و برخی کارهای دیگر بروز و ظهور داشت، آنگاه بلاء می‌شود خصوص نعمت.

**احتمال دوم:** اینکه «ذلکم» اشاره به «نجینا» داشته باشد؛ یعنی نجات شما از آل فرعون بلاء؛ طبیعتاً بلاء می‌شود نعمت.

پس «ذلکم» یک وقت به خصوص نعمت اشاره دارد و بلاء می‌شود همان نعمت، یعنی «ذلکم» اشاره به عمل آل فرعون دارد و بلاء عبارت از همان نعمت یا محنتی است که آنها گرفتار آن بودند. احتمال دوم اینکه «ذلکم» اشاره به نجات دادن بنی‌اسرائیل باشد و بلاء هم عبارت از آن نعمتی است که خداوند به آنها عطا کرد.

**احتمال سوم:** اینکه به هر دو اشاره داشته باشد؛ «ذلکم» یعنی کاری که فرعون و آل او با شما انجام می‌دادند و شما را به بردگی و بندگی می‌بردند، این خودش به ضمیمه نجات شما توسط خداوند تبارک و تعالی، هر دو بلاء است؛ بلائی از ناحیه پروردگار شما. یعنی آزمون است، آن نعمت و نعمت هر دو آزمون عظیمی از ناحیه پروردگار به سوی شما است.

#### نظر فخر رازی

فخر رازی می‌گوید احتمال دوم اولی است؛ البته ایشان احتمال سوم را ذکر نکرده و فقط دو احتمال اول را ذکر کرده و ادعا می‌کند که احتمال دوم اولی است. چون هی التی صدرت من الرب تعالی، برای اینکه نعمت از ناحیه خداوند آمده، به علاوه اینکه آنچه که خداوند تبارک و تعالی با آن بر یهود احتجاج می‌کند، اصل انعام از سوی خداوند نسبت به آباء و اجداد یهودیان دوره پیامبر(ص) است. پس به قرینه اینکه می‌گوید «ذلکم بلاء من ربکم عظیم»، بالاخره نعمت است که از ناحیه خداست و بعد اینکه آیه در مقام احتجاج با یهودیان دوره پیامبر(ص) است و می‌خواهد به آنها نعمت‌های خداوند تبارک و تعالی را به اسلافشان را یادآوری کند، لذا اولی این است که ما «ذلکم» را حمل بر «نجینا» و نجات

کنیم و بلاء را عبارت از آن نعمت خداوند بدانیم.<sup>۱</sup>

#### بررسی

اما به نظر می‌رسد وجهی برای اینکه ما این را اختصاص به نعمت بدهیم و بلاء را عبارت از امتحان در خصوص نعمت بدانیم و «ذلکم» را فقط به این مورد برگردانیم، وجود ندارد. بالاخره خداوند تبارک و تعالی در این آیه می‌خواهد به یهودیان دوره پیامبر(ص) یک مطلبی را بفهماند. هدف اصلی خداوند تبارک و تعالی این است که به آنها بگوید نگاه نکنید پیامبر(ص) الان تعداد کمی طرفدار دارد و اصحابش کم شمارند؛ ولی اگر خداوند تبارک و تعالی اراده کند، افراد کم‌شمار را بر افراد پرشمار با همه امکانات و ابزار، غلبه می‌دهد. چه اینکه بنی‌اسرائیل و آباء و اجداد و اسلاف شما را با آن همه کمبودها و قلت در عده و عده بر فرعونیان غلبه داد با آن همه عده و عده. خداوند تبارک و تعالی می‌خواهد با یهودیان احتجاج کند و احتجاج با آنها در واقع به یادآوری شرایط آنها در گذشته است. این نعمت یعنی نجات دادن بنی‌اسرائیل از آن گرفتاری‌ها و مشقتها، جز با بیان آن نعمت ارزشش آشکار نمی‌شود؛ یعنی خداوند تبارک و تعالی می‌خواهد بفرماید اسلاف شما بسیار کم و در موضع ضعف بودند، اما صبر پیشه کردند؛ خداوند آنها را با آن نعمت آزمایش کرد و با صبر آنها را سنجید و سپس به آنها عزت داد و این شایستگی را پیدا کردند که از آن منجلاب خارج شوند و عزت و آقایی و سروری و مُلک و حکومت به آنها عطا کرد. این نعمت هم شد یک آزمون؛ و اینجا باید معلوم شود که آیا شاکر هستند یا خیر.

#### نظر برگزیده

پس خداوند تبارک و تعالی در این آیه با توجه به اینکه به هر دو امر اشاره کرده، یعنی هم نجات که نعمت است و هم گرفتار شدن به عذاب که نعمت است، می‌خواهد بگوید هر دو اینها در این دنیا مایه بلا و آزمون از طرف خداوند تبارک و تعالی است. لذا با توجه به آنچه که در این آیه قبل از این جمله گفته شده و با توجه به اینکه آزمون الهی منحصر در نعمت نیست، هم با خیر و هم با شر آزمون و اختبار و سنجش صورت می‌گیرد. البته هر کدام به یک غرض و هدفی، و با توجه به اینکه خداوند تبارک و تعالی می‌خواهد با یهود احتجاج کند و آنها را به یاد هر دو وضعیت اسلافشان بیندازد، اولی این است که ما «ذلکم» را هم به عمل فرعونیان و هم به انجاء توسط خداوند برگردانیم و بلاء را هم شامل نعمت بدانیم و هم نعمت. این به نظر می‌رسد اولی است از آنچه که فخر رازی گفته است.

#### مطلب چهارم: هدف آیه

آخرین مطلبی که در مورد این بخش از آیه می‌توانیم ذکر کنیم، این است که خداوند متعال از این قضایا در قرآن زیاد نقل کرده و لذا غرض خداوند از ذکر این قصه‌ها بسیار مهم است و آن پندگیری و عبرت‌آموزی مخاطبان قرآن است.

۱. تفسیر کبیر، ج ۳، ص ۷۰.

خداوند نمی‌خواهد اینجا فقط بنی‌اسرائیل را تحقیر و مسلمانان را تکریم کند؛ غرض صرفاً تکریم و تحقیر نیست، بلکه غرض عبرت‌آموزی همه مخاطبان قرآن است. خداوند می‌خواهد مثل همه موارد دیگری که نظیر این سرگذشت را بیان کرده، بفرماید پیمودن راه حق، مواجهه با ابتلاء و آزمون‌هایی است. انسان‌ها در این دنیا به آزمون‌های مختلف مبتلا می‌شوند. نعمت‌ها و نعمت‌ها به انسان‌ها داده می‌شود و بر او تحمیل می‌گردد. مهم این است که انسان آیا در نعمت‌ها راه صبر پیشه می‌کند یا بی‌تابی یا ناصبوری. آیا وقتی که نعمت به او عطا می‌شود شکرگزار مقام الهی هست یا نیست، که اگر شکرگزار باشد، لایزیدنه، و اگر ناشکری داشته باشد، خداوند نعمت‌ها را از او سلب خواهد کرد. غرض از ذکر این داستان و سرگذشت بنی‌اسرائیل، تنبیه و یادآوری و گوشزد کردن دو گروه است:

۱. انسان‌ها و همه مسلمانان؛ و لذا اختصاص به بنی‌اسرائیل ندارد، غیر بنی‌اسرائیل هم اگر در برابر نعمت‌ها و نعمت‌ها راه نادرست پیش بگیرند، باعث نابودی و سقوط آنها خواهد شد.

۲. گروه دومی که از این آیه می‌توانند پند بگیرند، خصوص یهودیان دوره پیامبر(ص) هستند.

پس دو گروه به وضوح مثل همه آیات دیگری که مخاطب عام دارد و همه بشریت و همه مسلمین می‌توانند از آن استفاده کنند، اینجا هم استفاده می‌کنند؛ عامه مردم و عموم مسلمانان از یک سو، و یهودیان دوره پیامبر(ص) از سوی دیگر؛ و هر دو هم به یک غرض و یک هدف خاصی باید پند ببرند.

#### **بحث جلسه آینده**

چون بحث در این آیه تمام شده، آیه ۵۰ را بعد از ماه مبارک رمضان بیان خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»